



واکاوی شیوه اثرگذاری والدین در کنترل میل جنسی فرزندان از منظر قرآن

علی رهیدا^۱

چکیده

میل جنسی یکی از مهم‌ترین، حساس‌ترین و مؤثرترین امیال انسان است که در صورت مدیریت نکردن درست آن، پیامدهای جبران‌ناپذیر دنیوی و اخروی را برای انسان به دنبال خواهد داشت. کنترل این میل در دوران کودکی و نوجوانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و والدین نقش بسزایی در این رابطه دارند. پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی و با رعایت ضوابط تفسیر موضوعی، دیدگاه قرآن کریم را که منبع وحیانی و خطاناپذیر است، در مورد چگونگی اثرگذاری والدین در مهار میل جنسی فرزندان ارائه می‌کند. یافته‌های پژوهش کیفیت این اثرگذاری را اینگونه بیان می‌کند: جلوگیری از تصویرسازی در قوه خیال فرزندان نابالغ، مدیریت آمد و شد فرزندان در مواجهه با جنس مخالف، تربیت عقیفانه فرزندان، تأثیر متافیزیکی تقوای والدین بر عفت جنسی فرزندان، اثرگذاری امیال نفسانی مادر یا دایه بر روی جنین یا کودک و نقش مهم دعای والدین در عفت جنسی فرزندان.

واژگان کلیدی: تربیت جنسی کودک، کنترل میل جنسی، نقش والدین در تربیت جنسی، تربیت در قرآن.

مقدمه

در میان امیال گوناگون بشری، میل جنسی نقش ممتاز و بی بدیلی در صعود یا سقوط انسان داشته و از مهم ترین، حساس ترین و مؤثرترین وسایل آزمایش انسان است؛ به گونه ای که بسیاری از امتحانات و ابتلائات بشری به نوعی مرتبط با این میل بوده و از آن به عنوان سرکش ترین غریزه در میان انواع غرایز آدمی نام برده اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۷۶-۷۵). کنترل نکردن این غریزه، منشأ بسیاری از انحرافات فکری، رفتاری، فرهنگی، اجتماعی و... در دنیا و خسران دنیوی و شقاوت ابدی در آخرت است. از مهم ترین عواملی که نقش بی بدیلی در مهار این میل طغیانگر دارند، والدین هستند که آشنایی با شیوه تأثیرگذاری آنان کمک بسزایی در دستیابی به نتیجه مطلوب می کند. ادیان الهی، مکاتب بشری و اندیشمندان نظریه های و الگوهای متعددی در این زمینه ارائه کرده اند اما نتیجه برخی از دیدگاه های بشری، فرو بردن انسان در گرداب حیوانیت بوده است. این پژوهش به دنبال ارائه دیدگاه قرآن کریم به عنوان منبع و حیانی به روش تفسیر موضوعی در مورد کیفیت اثرگذاری والدین در کنترل میل جنسی فرزندان است. اگر درباره این موضوع نوشته هایی یافت می شود اما آثار مزبور غالباً پژوهش قرآنی نبوده و مسئله را از منظر روان شناختی و تربیتی بررسی کرده اند. برخی آثار هم که از نگاه اسلام به این مسئله پرداخته اند، معمولاً راهکارهای عمومی مطرح شده در این زمینه را بیان کرده و صرفاً مؤیداتی از قرآن و روایات به عنوان شاهد آورده اند. ولی ما در این پژوهش به دنبال تبیین دیدگاه قرآن کریم در این زمینه به شیوه تفسیر موضوعی هستیم. میل جنسی به معنای کشش و رغبت انسان به سمت مسائل جنسی و شهوانی است. حکما و فیلسوفان از این میل با عنوان قوه شهویه نام برده اند (نراقی، ۱۳۷۸: ۳۲۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۲۷۹). اصطلاح «میل جنسی» در قرآن کریم به کار نرفته اما در آیات بسیاری به این مفهوم اشاره شده است. در فرهنگ قرآنی و روایی، واژه شهوت گاه در مفهوم عام رغبت به لذت های مادی و گاه در مفهوم خاص میل جنسی به کار

رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۲۸۳). همچنین مفهوم «هوی» در بعضی از مصادیق خود، اشاره به همین میل جنسی دارد که بدان اشاره خواهد شد.

نقش والدین

خانواده، اولین نهاد اجتماعی و اولین مدرسه و مکتب پرورشی، نقش بی‌مانندی در پدیدآوری انسان مطلوب دینی دارد. آیات وحی از عوامل مهم و تأثیرگذار در کنترل و تنظیم میل جنسی افراد، خصوصاً نوجوانان را پدر و مادر می‌داند. این مربیان درون‌خانه، اولین و مؤثرترین افراد در سامان‌دهی کلیه امیال فرزندان به‌ویژه میل جنسی هستند. قرآن کریم در آیه ۵۸ سوره اعراف می‌فرماید: ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا﴾؛ اگر چه آیه شریفه به قرینه سیاق در مورد حاصل‌خیزی انواع زمین‌ها و اثربخشی آن در کیفیت محصول است ولی در عین حال بیانگر یک حکم کلی است که بستر و محل رشد هر موجود زنده‌ای، تأثیر بسزایی در کیفیت فرآورده خواهد داشت. از این رو چنان‌که اهل بیت علیهم‌السلام نیز این توسعه معنایی را تأیید کرده‌اند (راوندی، ۱۴۰۵: ۲/۱۳۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۶۷)؛ از آن می‌توان استفاده کرد که پدر و مادر و بستر خانواده، در سامان‌بخشی به تربیت و تهذیب فرزندان نقش بی‌همتایی دارند. این تأثیرگذاری در کیفیت کنترل میل جنسی نیز کاملاً مشهود و ملموس است؛ زیرا میل جنسی از مهم‌ترین، قوی‌ترین و مؤثرترین امیال انسانی است که کنترل یا عدم کنترل آن، ارتباط ناگزیری با تهذیب و در نتیجه سعادت و رستگاری فرد دارد. قرآن کریم نقش والدین را در این زمینه این‌گونه تبیین می‌کند:

۱. تربیت جنسی صحیح

خداوند متعال تربیت و پرورش فرزندان را از مهم‌ترین شئون و وظایف والدین دانسته و در آیات متعددی به این وظیفه خطیر آنان اشاره کرده و آنان را در قبال این تکلیف

مسئول می‌داند. قرآن کریم در مرحله اول تبلیغ دینی به رسول اکرم ﷺ دستور می‌دهد به سراغ خانواده و عشیره خود رفته و آنان را در مسیر هدایت قرار دهند: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء، ۲۱۴)؛ سپس می‌فرماید خانواده‌ات را به نماز امر کن: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» (طه، ۱۳۲). در مسئله حفظ حجاب نیز ابتدا تکلیف پیامبر ﷺ را ابلاغ به خانواده می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ» (احزاب، ۵۹). در مقام تمجید از انبیای گذشته نیز توجه ایشان به تربیت دینی خانواده‌اش را لحاظ کرده و می‌فرماید: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ» (مریم، ۵۵). توجه لقمان به تربیت فرزند و مفاد پرورشی آن را ذکر می‌کند: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ» (لقمان، ۱۷). در جایی به مؤمنان دستور می‌دهد خویشان و اهل و عیال خویش را از آتش جهنم حفظ کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم، ۶) همچنین می‌فرماید اهل بهشت کسانی هستند که نسبت به خانواده و فرزندان خویش عنایت و دغدغه داشتند و به فکر صلاح و سعادت آنان بودند: «قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ» (طور، ۲۶) و در آیه دیگر علت عذاب و مجازات اخروی عده‌ای را مستی و عیش ناروای فرد در بستر خانواده بیان کرده: «إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (انشقاق، ۱۳) و چنین فردی را که مراقب خود و اهل و عیالش در جهت تربیت صحیح و مطلوب خداوند نیست، به معنای حقیقی کلمه زیانکار می‌شمارد: «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (زمر، ۱۵؛ شوری، ۴۵).

به سبب چنین تربیت و پرورش مطلوب است که خداوند والدین را مستحق خیر و رحمت دانسته و به فرزندان دستور می‌دهد تا برای پدر و مادر دعا و طلب رحمت کنند: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء، ۲۴). در تفسیر این آیه گفته‌اند: تعلیق حکم ترحم، بر وصف تربیت، مُشعر به علیّت آن است؛ جمله «کما ربّیانی» و نه «کما ولّدانی» نشان می‌دهد که حدّ وسط در حکم به احترام، تربیت والدین است



و تربیت، نزد لغویان هم شامل تغذیه و هم تهذیب و پرورش روحی و جسمی می شود. گرچه اهتمام آیات و روایات، به خصوص بر پرورش روحی است؛ زیرا ارزش تربیت روحی به اندازه روح و قیمت پرورش بدن به مقدار تن ارزیابی می شود. در این صورت، جمله مزبور به والدین القا می کند که در تربیت روحی فرزندان بکوشید تا همواره از دعای خیر فرزندان بهره مند شوید و به تامین آب و نان و رشد و سلامتی مادی آنان اکتفا نکنید (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۳۷۸/۵).

۱-۱. جلوگیری از نمایش صحنه های محرک

خداوند متعال علاوه بر تربیت به معنای عام، والدین را نسبت به تربیت جنسی فرزندان مسئول می داند تا با پرورش صحیح فرزندان، زمینه شورش و نافرمانی جنسی را در آینده منتفی سازند. در آیه ۵۸ سوره نور به مومنان دستور می دهد که متریان آنان اعم از کنیزان و فرزندان نابالغ به منظور کنترل میل جنسی، حتما هنگام ورود به خلوت مرد و زن در سه نوبت اجازه بگیرند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ». طلیعه آیه شریفه اشاره دارد که مسئول آموزش و تربیت جنسی کودکان، والدین مؤمن هستند. در آیه بعدی می فرماید این حکم (استیذان در سه نوبت) تا زمانی است که فرزندان هنوز به سن بلوغ نرسیده اند و بعد از رسیدن به سن بلوغ باید مانند دیگر افراد بالغ همیشه هنگام ورود به خلوت اجازه بگیرند: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور، ۵۹). در انتهای آیه نیز خداوند دو صفت «علیم» و «حکیم» را از میان اوصاف خویش ذکر می کند تا به مخاطبان بفهماند تشریع این حکم برخاسته از علم و حکمت خداوند است.

آیه شریفه، تأدیب جنسی را از سن کودکی شروع می کند؛ زیرا اگرچه قبل از بلوغ میل جنسی شکوفا نشده است ولی حتی دیدن یک تصویر از والدین با حالت نامناسب در ذهن و قوه خیال کودک باقی مانده و زمینه سوق دادن به فحشا را در وی تسهیل

می‌کند. دیدن این تصاویر در کودکی، تصوراتی را برای فرزند ایجاد و قوه خیال او را مشغول کرده که خود اولین گام در مسیر ارتکاب فحشا است. بزرگان عرصه تربیت گفته‌اند برای تحقق یک فعل اختیاری مراحل باید طی شود؛ این مراحل به ترتیب از این قرار است: تصور عمل - تصور فایده - تصدیق به فایده - رغبت و انگیزه - برطرف کردن تعارض امیال - تبدیل میل به شوق و شوق موکد - اراده و تصمیم‌گیری به انجام عمل - انجام عمل (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۱-۱۳۰). در گام نخست انسان تا نسبت به ماهیت کاری شناخت و تصور ذهنی ندارد، معقول نیست به فکر انجام آن بیفتد. ولی به محض این‌که تصور از فعلی در قوه خیال ایجاد شد، اولین جرعه برای ارتکاب فعل زده می‌شود. حکایتی است که می‌گوید عده‌ای کودک در روستایی در کنار خرمن گندم مشغول بازی بودند، صاحب خرمن که رد می‌شد به کودکان گفت: «مبادا خرمن‌های من را آتش بزنید!!» همین ایجاد تصور ذهنی باعث شد کودکانی که تا آن وقت نمی‌دانستند خرمن گندم هم آتش می‌گیرد و می‌توان اینچنین بازی هم کرد، اقدام به آتش زدن خرمن کردند. در سوره یوسف می‌خوانیم هنگامی که برادران او از پدر درخواست کردند وی را برای بازی و سرگرمی همراه آنان به صحرا بفرستد، یعقوب این‌گونه پاسخ داد: ﴿قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ﴾ (یوسف، ۱۳). ذیل آیه شریفه روایتی را از رسول الله ﷺ نقل شده که می‌فرماید فرزندان یعقوب تا آن زمان نمی‌دانستند گرگ انسان را می‌خورد و همین فرمایش حضرت یعقوب، تصور این نقشه را در ذهن آن‌ها ایجاد کرد (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۶۰۱/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۳۱/۵). انسان نیز به حسب طبیعت خود تصور و فکر گناه را پرورش می‌دهد و به مرور مراحل بعدی ارتکاب عمل را طی می‌کند.

در این رابطه از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمودند: «سوگند به کسی که جانم به دست اوست، اگر کسی با همسرش درآمیزد و در اتاق کودکی بیدار باشد که آنان را ببیند و سخن گفتن و صدای نفس آنان را بشنود، آن کودک هرگز رستگار نمی‌شود؛ اگر

پسر باشد مردی زناکار و اگر دختر باشد زنی زناکار می شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۰۰). در این روایت و روایات مشابه، مصداق عدم رستگاری را زناکاری بیان می کند. به نظر می رسد علت بیان این مصداق خاص این است که حتی شنیدن صدا و یا دیدن یک تصویر در کمون نفس و قوه خیال کودک باقی مانده و زمینه ساز طغیان میل جنسی او در دوران بلوغ خواهد شد.

امروزه بسیاری از روان شناسان معتقدند در نهاد کودکان نیز تمایلات جنسی - هر چند به صورت خفیف - وجود داشته و دیدن صحنه های تحریک آمیز و تجربه رفتارهایی که رنگ و بوی مسائل جنسی دارد، در دوران کودکی و نوجوانی پیامدهای بسیار ویرانگری تا پایان زندگی در درون آنان خواهد داشت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۴/۱۲۵؛ عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۲۶۲). شاهد این مدعا روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام است که ناظر به کنترل میل جنسی در کودکان است و در ضمن آن به والدین توصیه می کند نسبت به این امر خطیر مراقبت های ویژه داشته باشند. به عنوان نمونه در بعضی روایات توصیه شده محل خواب کودکان را بعد از شش سالگی از یکدیگر جدا کنند: «يُفَرَّقُ بَيْنَ الصَّبِيَّانِ فِي الْمَضَاجِعِ لَيْسَتْ سِنِينَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۴۳۶). در روایتی، رسول اکرم صلی الله علیه و آله از این که دختر با پدر یا مادرش زیر یک پتو بخوابد، نهی کرده اند (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۳۲). در برخی روایات از اینکه زن نامحرم، پسر هفت ساله و مرد نامحرم، دختر شش ساله را بیوسد و یا او را در دامن خویش جای دهد، نهی کرده اند (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۲۳). در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام بوسیدن لب را تنها نسبت به همسر و فرزند کوچک جایز شمرده اند: «لَيْسَ الْقُبْلَةُ عَلَى الْفَمِ إِلَّا لِلزَّوْجَةِ أَوْ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۸۶). روایتی علوی دست زدن زن به عورت دختر بعد از شش سالگی را نوعی زنا برای دختر عنوان کرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۴۳۶). امام صادق علیه السلام از اینکه فرزند به همراه پدرش به حمام برود نهی کردند و علت آن را احتمال نگاه فرزند به عورت پدر بیان کرده اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰۱/۶). در نقل دیگری ایشان توصیه فرمودند مادر نهایتاً تا سه سالگی فرزند پسر را بشوید

(کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۰/۳). در نقل دیگری آمده است علی بن جعفر می‌خواست از برادرش امام موسی کاظم ۷ سؤالی راجع به مسائل زناشویی بپرسد که کودکی در کنار آنان بود؛ حضرت از آن کودک خواست که از آن‌ها فاصله بگیرد تا صحبت آنان را نشنود (حمیری، ۱۴۱۳: ۲۵۲). بنابراین مشخص می‌شود تربیت جنسی در دوران کودکی اثرات بهتر و عمیق‌تری در فرد خواهد داشت و به تعبیر بعضی، روایت «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۴/۱) اختصاص به علم ندارد و در امور تربیتی نیز باید گفته شود: «التَّزْيِينَةُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۲/۵۶۶-۵۶۵).

۱-۲. مراقبت از آمد و شد فرزندان

دیگر دستور تربیتی قرآن کریم در مسئله تربیت جنسی فرزندان، عدم رفت و آمد زیاد و تنها نگذاشتن فرزندان جوان در خلوت با زنان نامحرم است. فرزندان پس از سن بلوغ تحت شدیدترین هیجانات جنسی قرار داشته که اگر والدین نسبت به اختلاط و مصاحبت آنان با جنس مخالف مراقبت و حساسیت صحیح نداشته باشند، قطعاً مفسد جنسی دامن‌گیر آنان خواهد شد. قرآن کریم در ماجرای حضرت یوسف می‌فرماید: ﴿وَرَأَوْنَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ﴾ (یوسف، ۲۳). «مراوده» به معنای طلب کردن چیزی با نرمی و آرامی است تا عمل مورد نظر انجام شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۴۰/۵). در معنای عبارت «هَيْتَ لَكَ» و منشا اشتقاق آن بین اهل ادب اختلافاتی وجود دارد (سمین، ۱۴۱۴: ۱۶۷/۴) ولی ظاهراً اسم فعل به معنای شتاب کن، بیا، آماده هستم و... است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۴۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۰/۱۱). این آیه شریفه اشاره دارد که علت شیفتگی فوق‌العاده و سپس درخواست زلیخا از یوسف این بود که زلیخا، یوسف را در خانه خود اسکان داده بود؛ چون در عبارت ﴿وَرَأَوْنَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا﴾ می‌توانست نام یوسف را ذکر کند، ولی عبارت «هُوَ فِي بَيْتِهَا» آمده تا اشاره به علیت آن داشته باشد. البته در این مورد خاص چون فرد

مخاطب زلیخا، نبی خدا و دارای مقام عصمت بود، در گرداب فحشای جنسی گرفتار نشد ولی روشن است اگر فرزندان عادی در چنین محیطی قرار بگیرند به راحتی به گناه جنسی آلوده خواهند شد. از عبارت - «غَلَقَتِ الْأَبْوَابَ» نیز می‌توان برداشت کرد که مکان خلوت و به دور از چشم دیگران بستر مناسب‌تری برای فساد جنسی است. پس اگر ارتباط و اختلاط بین دو جنس مخالف در فضای خلوت شود، کنترل میل جنسی به مراتب سخت‌تر خواهد بود. از همین رو است که فقها خلوت با نامحرم را در صورت خوف وقوع در گناه حرام دانسته و در صورت عدم خوف نیز گروهی فتوا به حرمت داده و نماز در این حالت را باطل دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۴۲۴: ۴۹۸/۱ - ۴۹۷).

در فرموده‌های ائمه طاهرين عليه‌السلام نیز خلوت با نامحرم و حتی گفت‌وگوی غیرضروری میان آن‌ها به شدت مذمت شده است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در فرمایشی تأکید فرمودند که مرد با زن نامحرم خلوت نکند که اگر چنین شد، نفر سوم آن‌ها قطعاً شیطان است (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۲/۲۱۴). در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که ابلیس در ضمن توصیه‌هایی به حضرت موسی علیه‌السلام گفت هر وقت مرد و زن نامحرم با یکدیگر خلوت کنند، خودم شخصا به عنوان نفر سوم در آنجا حاضر می‌شوم و یاران و اصحاب خودم را کنار می‌گذارم (مفید، ۱۴۱۳: ۱۵۷). همچنین حضرتش صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زیاد سخن گفتن با زن نامحرم را عامل میراندن قلب دانسته (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱/۲۲۸) و واضح است وقتی قلب انسان به عنوان مرکز ادراک و امیال بمیرد، دیگر نمی‌تواند وظیفه خودش را درست انجام دهد و در نتیجه امیال بدون ضابطه و بدون کنترل فعالیت می‌کنند. همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمودند که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از زنان پیمانی گرفت مبنی بر این که با مردان در جای خلوت حضور نداشته باشند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۱۹). از این دسته روایات فهمیده می‌شود که با توجه به چنین اثرپذیری قابل توجهی، والدین نباید فرزندان را در محیطی که جنس مخالف وجود دارد، رها سازند و زمینه مرأوده آنان را فراهم کنند.

از آیات دیگری که به نقش سرپرست خانواده در تربیت جنسی افراد تحت تکفل

اشاره می‌کند، آیات سوره یوسف است. از ظاهر آیات این سوره برمی‌آید که عزیز مصر خیلی نسبت به آمد و شد زلیخا با یوسف و یاغی‌گری جنسی زلیخا حساس نبوده و گویی چنین مسئله‌ای در آن زمان در بین قشر مرفه چندان شنیع و زشت تلقی نمی‌شد. بنابر گزارش قرآن کریم، پس از آن که آن کودک به نفع حضرت یوسف شهادت داد و خطاکار بودن زلیخا مشخص شد، واکنش عزیز مصر در مقابل این فاجعه تنها این جمله بود: «يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ» (یوسف، ۲۹). این سخن عزیز مصر هم به دلیل ترس از افشاگری حضرت یوسف بود و نسبت به خطای بزرگ زلیخا به یک تذکر ساده اکتفا کرد. مردی که در خانه نسبت به کنترل جنسی افراد دغدغه نداشته است، شاهد مفاسد جنسی یکی پس از دیگری خواهد بود. همین تساهل و عدم توبیخ جدی، زمینه مکر و حيله‌های بعدی زلیخا را فراهم کرد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۴۸/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۸۸/۹)؛ چنان که پس از این ماجرا نیز زلیخا به عمل قبیح خویش ادامه داد و از آن دست برداشت. قرآن پس از اشاره به رسوایی زلیخا در برابر همسرش، از وی گزارش می‌کند: «وَلَئِنْ لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ» (یوسف، ۳۲).

در نقطه مقابل، خداوند رحمان از زنی نام می‌برد که در اوج قله طهارت و پاکدامنی جنسی قرار دارد تا جایی که الگویی برای همه مومنان معرفی شده است: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۴۲)؛ «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا... وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» (تحریم، ۱۱-۱۲). ماده «حصن» در لغت به معنای چیزی است که دارای حریم و حفاظ بوده، به گونه‌ای که به درون آن نمی‌توان راهی یافت و از این رو به دژ و قلعه، حصن می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۱۸/۳؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴۳/۴). زن عفیف را محصنه می‌گویند؛ زیرا اجانب انسی و شیطانی را به حریم خود راه نمی‌دهد. حصن فرج به معنای حفظ دامن و کنایه از عفیف بودن و کنترل میل جنسی است (حقی برسوی، بی تا: ۱۶۵/۱۰؛ معرفت، ۱۴۱۰: ۴۲۵/۵).

خداوند در این آیات و دیگر آیات قرآن کریم، حضرت مریم را به اوصاف متعددی توصیف کرده و می‌ستاید که اولین آن‌ها پاکدامنی حضرت مریم می‌باشد و در آیات دیگری نیز بدان اشاره شده است (انبیاء، ۹۱). قرآن کریم عوامل متعددی را در تربیت این چنینی حضرت مریم دخیل می‌داند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، وجود مربی و کفیلی به نام حضرت زکریا است؛ «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا» (آل عمران، ۳۷). بنابر روایات زمانی که عمران، پدر حضرت مریم، از دنیا رفت، برای تعیین تکلیف کفالت او بین بزرگان یهود اختلاف شد. آن‌ها برای تعیین کفیل حضرت مریم متوسل به قرعه شدند که قرعه به نام شوهر خاله ایشان، یعنی حضرت زکریا در آمد (قمی، ۱۳۶۳: ۱۰۲/۱). «كَفَّلَ» در آیه مذکور از افعال دو مفعولی است که مُكفَّل آن خداوند است؛ به همین جهت فرمود «وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا» نه «تَكفَّلَهَا زَكَرِيَّا»؛ یعنی خداوند است که کفالت مریم را به زکریا داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶۱). خداوند در این آیه در مقام امتنان و ذکر نعمت برای حضرت مریم، تکفیل زکریا را به خود نسبت داده تا بیان کند برای پرورش انسانی پاک و طاهر که یکی از خصیصه‌های شاخص آن تسلط بر قوه جنسی می‌باشد، وجود مربی و سرپرستی مانند حضرت زکریا نیاز است. از همین رو زمانی که حضرت مریم با نوزادی در بغل به میان قوم خود بازگشت، گروهی با ملامت و سرزنش به ایشان گفتند: «يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا» (مریم، ۲۸). آیه به وضوح به نقش تربیت جنسی توسط والدین اشاره داشته و بیان می‌کند که این مسئله در بین مردم آن زمان نیز مسلم و پذیرفته شده بود و از نگاه آن‌ها ارتکاب فحشا از کسی که پدری صالح و مادری عفیف دارد، بسیار دور است.

۲. صلاح والدین

قرآن کریم علاوه بر حسن تربیت و پرورش جنسی پسندیده، عامل دیگری را برای این منظور معرفی می‌کند که در ظاهر توجیه مادی و محسوسی ندارد ولی در باطن

عالم هستی قطعاً ارتباطات عمیق و دقیقی بین طرفین مسئله وجود دارد. توضیح آن که برنامه ریزی قرآن کریم برای تربیت جنسی صحیح، به پیش از زمان ازدواج و انعقاد نطفه باز می‌گردد؛ یعنی برای تولید اولاد صالح و متقی که رفتار جنسی شایسته و توان کنترل میل سرکش جنسی خویش را داشته باشند، پسر و دختر قبل از ازدواج تا وقتی که در حضور یا غیاب فرزندان خود اعمال و رفتاری انجام می‌دهند، همگی در تربیت جنسی فرزند تأثیرگذار خواهد بود. از همین رو آیات و روایات به مسائلی همچون ملاک‌های انتخاب همسر، آداب عقد و زفاف، تغذیه زوجین، زمان و مکان انعقاد نطفه، مراقبت‌های بارداری، آداب شیردهی، تغذیه کودک، معاصی والدین، دعای پدر و مادر و... تأکید فراوانی دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۳۶۶، بَابُ الْوَقْتِ الَّذِي يُكْرَهُ فِيهِ التَّزْوِيجُ/ بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ مِنَ التَّزْوِيجِ بِاللَّيْلِ/ همان: ۵/۳۶۸، بَابُ التَّزْوِيجِ بِغَيْرِ خُطْبَةٍ؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۴۷، بَابُ اسْتِحْبَابِ اخْتِيَارِ الزَّوْجَةِ الْكَرِيمَةِ الْأَصْلِ الْمَحْمُودَةِ الصِّفَاتِ وَ تَزْوِيجِ الْأَكْفَاءِ وَ التَّزْوِيجِ فِيهِمْ همان: ۳/۳۳۷، بَابُ اسْتِحْبَابِ عُشْلِ الْمُؤَلَّدِ همان: ۵/۴۵۵، بَابُ اسْتِحْبَابِ الْأَذَانِ عِنْدَ تَوَلُّعِ الْغَوْلِ وَ فِي أُذُنِ الْمُؤَلَّدِ وَ فِي أُذُنِ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۱۵۵). در نگاه قرآنی تا زنجیر از پای خویشتن باز نکنی نمی‌توانی مشکل‌گشای گرفتاری دیگران به خصوص فرزندان خود باشی و شرط اول دگرسازی در فرهنگ قرآنی خودسازی می‌باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم، ۶). در این آیه شریفه خداوند متعال مراقبت از خویشتن را بر مراقبت از اهل و عیال مقدم ساخته تا بیانگر این مطلب باشد که گام اول در مراقبت از اهل و عیال مراقبت از خویشتن است. قرآن کریم از اینکه فرد به فکر خیر و صلاح دیگران بوده ولی از اصلاح خویش غافل باشد نهی کرده و فرموده: «تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره، ۴۴). حضرت علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «إِنْ سَمَتْ هِمَّتُكَ لِإِصْلَاحِ النَّاسِ فَأَبْدَأْ بِنَفْسِكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۷)؛ هرگاه اراده اصلاح دیگران نمودی، ابتدا از اصلاح خویش شروع کن. و به مدعیان پیشوایی مردم سفارش می‌کند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ

نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَمُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۸۰). این آیات و روایات اشاره به یک ارتباط غیر مادی و ماوراء الطبیعه بین اعمال فرد و صلاح و فساد دیگران دارد که با قواعد مادی و تجربی قابل تفسیر نیست. قرآن کریم در سوره کهف سخن از دو پیامبر والامقام (حضرت خضر علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام) به میان آورده که مامور به کارگری مجانی برای دو کودک یتیم شدند. خداوند متعال علت این تدبیر الهی را صالح بودن پدر آن دو یتیم ذکر می‌کند که باعث می‌شود رحمت الهی شامل حال این دو کودک شده و گنجی را که پدرشان برای این دو باقی گذاشته بودند، سالم به دست آنان برسد؛ «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ» (کهف، ۸۲). این آیه شریفه دلالت دارد بر این که عمل صالح در نسل و فرزندان اثر نیک گذاشته و سعادت و خیر را در آنان به دنبال خواهد داشت (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۴۹/۱۳). امام صادق علیه السلام ضمن اشاره به این آیه شریفه می‌فرماید: «لَمَّا أَقَامَ الْعَالِمُ الْجِدَارَ أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى مُوسَى أَنِّي مُجَازِي الْأَبْنَاءَ بِسَعَى الْأَبَاءِ إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ لَا تَزْنُوا فَتَزْنِي نِسَاؤُكُمْ وَمَنْ وَطِئَ فِرَاشَ امْرِئٍ مُسْلِمٍ وَطِئَ فِرَاشَهُ كَمَا تَدِينُ تَذَنُّ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵۳/۵). نکته جالب این که در روایت آمده است مراد از «أَبُوهُمَا» نه اولین پدر آنها بلکه جد هفتم یا دهم یا هفتادم آنان است که انسان صالحی بود (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۶۲/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۵۶/۱۳). حضرت در روایت دیگری نیز با استناد به همین آیه شریفه فرمودند: خداوند متعال از اثر فلاح و رستگاری مومن فرزندان و فرزندان فرزندان را در فلاح و سعادت عنایت می‌فرماید و نیز خانه‌های بستگان و همسایگان اطرافش را در حفظ و امان خود قرار می‌دهد و این به دلیل اکرام و احترامی است که او نزد خدا دارد (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۳۷/۲). همچنین خداوند در جای دیگری نیز اشاره می‌کند به این که صلاح پدر، نقش بسزایی در صلاحیت و کمال فرزندان دارد: «فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿۴۹﴾. آیه شریفه می‌فرماید زمانی که ابراهیم علیه السلام از مردم کناره گرفت و مشغول به عبادت و سلوک الی الله شد، ما به او اسحاق و یعقوبی دادیم که آنان نیز از انبیای الهی بودند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۷۹/۵).

در تبیین چگونگی این ارتباط گفته‌اند:

اعمال انسان، افزون بر زنده و جاوید بودن، به فاعل خود مرتبط و از او جدا ناشدنی‌اند. از طرفی نسل گذشته، حال و آینده یک خانواده بر اثر وحدت رحم و خون و غذا و ثروت و... یک واقعیت به شمار می‌آیند؛ یعنی از همان غذا و خون و ثروت پدر، فرزندش شکل می‌گیرد و در حقیقت، فرزند ادامه وجود عنصری پدر و مادر است، از این رو هم عمل گذشتگان در فرزندانشان و هم عمل فرزندان برای گذشتگان اثر دارد... این تأثیر و تأثر نامحدود نیست بلکه در محدودهای است که در رحامت و غذا و خون شریک هستند و به همان مقدار این افراد یک سلسله به شمار می‌روند؛ یعنی آثار گذشتگان آنها در آیندگان‌شان ظاهر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۴۴۳/۱۷).

با این توضیحات می‌توان ادعا کرد صلاح و خویشتن‌داری جنسی والدین می‌تواند در رفتار جنسی فرزندان نیز تأثیر داشته باشد و فرزندان را در مهار میل عظیم جنسی موفق بدارد. می‌توان این مطلب را از آیه ﴿يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا﴾ (مریم، ۲۸) نیز استفاده کرد که صلاح والدین در صلاح و عفت فرزند موثر است. شاهد این مدعا فقره پایانی روایت مذکور در ذیل آیه شریفه است که فرمود: «لَا تَزْنُوا فَتَزْنِي نِسَاؤُكُمْ وَمَنْ وَطِئَ فِرَاشَ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ وَطِئَ فِرَاشَهُ كَمَا تَدِينُ تُذَان». از روایت شریفه می‌توان استفاده کرد که انجام فحشا و عدم کنترل میل جنسی در ارتکاب فحشا و طغیان میل جنسی فرزندان و اهل و عیال فرد تأثیرگذار است. همچنان که در تفسیر آیه ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ﴾ (نور، ۳) یکی از احتمالات مطرح شده این است که آیه در مقام بیان یک واقعیت خارجی بوده و می‌فرماید مرد و زن زناکار در عالم واقع نصیب یکدیگر می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰:

۸۰/۱۵). به این معنا که اگر فردی میل جنسی خویش را کنترل نکرده و در منجلاب فساد جنسی قرار بگیرد، اثر تکوینی عمل او مبتلا شدن به همسری است که او نیز چنین ویژگی‌ای دارد.

از دیگر آیاتی که می‌تواند به تأثیر صلاح والدین در صلاح فرزند و اصلاح جنسی او اشاره کند، آیه ششم سوره آل عمران است: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾. بسیاری از مفسران به این آیه شریفه استناد کرده و بیان می‌دارند که علاوه بر تعیین جنسیت، رنگ، قد و ... فرزند، سعادت و شقاوت فرزند نیز از دوران حیات رحمی آغاز می‌شود (سلطان علی شاه، ۱۴۰۸: ۲۴۶/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۴/۲؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۸/۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۷/۸). یعنی منشا بسیاری از شقاوت‌ها و فسادهایی که دامن‌گیر فرزندان می‌شود، در رحم مادر شکل می‌گیرد و در نتیجه اقدام برای کنترل امیال فرزندان باید از این مقطع آغاز شود. روایت مشهور نبوی ﷺ می‌فرماید: «الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعَدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۵۶). در روایتی از امام باقر (ع) رسیده است که وقتی فرشتگان صورت‌گر برای صورت‌بندی بچه‌ای که در رحم مادر است می‌آیند، خداوند به این فرشتگان وحی می‌کند که به پیشانی مادر نگاه کنید و هر آنچه می‌بینید آن را به شرط بداء در پیشانی فرزند بنویسید (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴/۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۱۶/۱). از این رو مادری که مطیع شهوات جنسی بوده و نسبت به کنترل دینی آن تقیدی نداشته است قطعاً فرزندى را تولید خواهد کرد که او نیز در مهار میل جنسی‌اش سست و ناتوان خواهد بود. بانگاهی به آیات قرآن کریم مویدهای فراوانی نسبت به این مطلب می‌توان به دست آورد. از نگاه قرآن کریم هم بذر و هم کشتزار در کیفیت و چگونگی محصول تأثیر بسزا دارد: ﴿نَسَاوُكُمْ حَزَنُ لَكُمْ﴾ (بقره، ۲۲۳)؛ ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا﴾ (اعراف، ۵۸). همچنین در سوره انبیاء می‌خوانیم: ﴿وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء، ۹۱)؛ مراد از «الَّتِي

أَحْصَنْتَ فَرْجَهَا» که کنایه از عفت و نهایت کنترل جنسی دارد، حضرت مریم است و بعد از این وصف خداوند سخن از نفخ روح در او می‌کند که اشاره به تولد خارق العاده حضرت عیسی علیه السلام دارد. در ادامه نیز اضافه می‌کند این مادر عفیفه و فرزندش را به عنوان نشانه‌ای در عالم هستی قرار دادیم. از آیه شریفه استفاده می‌شود که عفیفه بودن حضرت مریم علت نفخ روح و آیه بودن ایشان است؛ زیرا آوردن صفت «أَحْصَنْتَ فَرْجَهَا» به جای اسم ظاهر حضرت مریم، اشعار و اشاره‌ای به علیت این وصف دارد. در اینجا مشاهده می‌کنیم کنترل میل جنسی توسط مادر سبب تولد فرزندی می‌شود که خود در ترک لذت‌ها و شهوت‌های نفسانی به خصوص شهوت جنسی الگو و زبان‌زد عام و خاص است تا جایی که حتی میل و رغبتی در ارضای حلال میل جنسی نیز در او وجود نداشت. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف حضرت عیسی علیه السلام می‌خوانیم: او سنگ را بالش خویش قرار می‌داد، لباس خشن می‌پوشید، نان خشک می‌خورد، خورشت او گرسنگی، چراغ شبهایش ماه، مسکنش در زمستان مشرق و مغرب آفتاب بود، میوه و گلش گیاهانی بود که زمین برای بهائم می‌رویاند. نه همسری داشت که وی را بفریبد و نه فرزندی که او را غمگین نماید، و نه ثروتی که او را به خود مشغول دارد، و نه طمع‌ی که خوارش سازد. مرکبش پاهایش و خادمش دست‌هایش بود (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۲۲۷). لازم به ذکر است خود حضرت مریم که خداوند متعال عفت و پاکدامنی جنسی او را متذکر شده نیز محصول مادری صالح و پارسا است که فرزند در رحم خود را وقف خدمت به خانه خدا می‌کند: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (آل عمران، ۳۵). در ادامه خداوند رحمان اشاره می‌کند همین روح پاک مادر منشأ حیات و رشد معنوی خاص در حضرت مریم و ذریه او شد: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران، ۳۷). آیه می‌فرماید پس از دعا و نذر مادر، حضرت مریم را به صورت نیکو قبول کرده؛ به این معنا که او را از میان سایر مردم برگزید و مورد لطف و عنایت قرار داد.

همچنین منظور از عبارت «أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» این است که خداوند به حضرت مریم و ذریه او حیاتی افاضه کرد که از القائنات پلید و شیطانی و وسوسه‌های او به دور بوده و سبب رشد و طهارت آنها می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷۳/۳).

همچنین قرآن کریم به اهمیت شیردهی و تأثیر مُرضع در نفس و روح کودک اشاره می‌کند. در ماجرای حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام، خداوند خوردن شیر از سایر دایه‌ها را بر ایشان ممنوع (حرام تکوینی) کرد تا او تنها شیر مادر خود را بخورد و اثرات تغذیه از مادری پاک و مطهر در وی نمایان شود: «وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ» (قصص، ۱۲). همچنان که در احوالات سایر انبیا و اوصیا و بزرگان آمده است که از بهترین افراد زمان خویش و با رعایت آداب شیر خورده‌اند. در منابع روایی ما دستورات فراوانی از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در این مورد به چشم می‌خورد که فحوای کلی آنان این است که اخلاقیات و روحیات زن شیرده در خلقیات و امیال کودک تأثیر دارد. به عنوان نمونه پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «تَوَقَّوْا عَلَى أَوْلَادِكُمْ لَبَنَ الْبَغِيَّةِ وَالْمَجْنُونَةِ فَإِنَّ اللَّبَنَ يُعْدِي» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۲۳)؛ کودکان را از شیر زنان زناکار و دیوانه دور نگه دارید که شیر اثر دارد. اگر چه در روایات، مصادیق متعددی مثل احمق نبودن، زیبارویی، دین و مذهب و... زن شیرده مورد توجه قرار گرفته است ولی نکته جالب توجه آن است در جایی که زن شیرده اهل فحشای جنسی است یا کسی است که از راه فحشای جنسی به دنیا آمده است، نهی به صورت خیلی شدیدتری صورت گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱/۶). تا جایی که در حدیث آمده است راوی از حضرت موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام سؤال می‌کند: «سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ وَلَدَتْ مِنْ زَنِيٍّ هَلْ يَصْلُحُ أَنْ يُسْتَرْضَعَ بِلَبَنِهَا قَالَ لَا يَصْلُحُ وَلَا لَبَنُ ابْنَتِهَا الَّتِي وَلَدَتْ مِنَ الزَّانِي» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴/۶)؛ از زنی که از راه زنا به دنیا آمده سؤال کردم که آیا جایز است شیر او را به فرزند بدهم؟ حضرت فرمود نه تنها شیر او بلکه شیر دختر او را نیز جایز نیست به فرزند خود بدهی! در روایت دیگری از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است شیر زن یهودی یا نصرانی یا مجوسی در نزد من بهتر از شیر زنی است که از راه فحشای جنسی به دنیا آمده است

(کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳/۶). از مجموعه این روایات می‌توان استفاده کرد که اثرات فحشای جنسی و عدم مهار آن در نوزاد به مراتب بیشتر از سایر رذائل و قبائح است و همچنان که در روایات نیز ذکر شده رذیله‌ای که به فرزند منتقل می‌شود هم جنس و هم سنخ با نقصی است که در زن شیرده وجود دارد. از این رو می‌توان برداشت کرد شیردادن زنی که آلوده به فحشای جنسی است و یا این آثار در نفس او وجود دارد می‌تواند کودک را نیز در کنترل قوه جنسی ناتوان سازد.

۳. دعا کردن

دیگر توصیه‌ی قرآن کریم به والدین به منظور تربیت جنسی فرزندان، دعا و حاجت‌خواهی پدر و مادر برای مهار قوه جنسی فرزندان و ذریه آنان است. از نگاه قرآن کریم انسان نسبت به صلاح فرزندان و حتی نوادگان خویش تعهد و مسئولیت دارد. در آیات قرآن ادعیه فراوانی از زبان والدین برای فرزندان وجود دارد (ر.ک: بقره، ۱۲۸-۱۲۷؛ آل عمران، ۳۶؛ ابراهیم، ۳۵ و ۳۷؛ اعراف، ۱۸۹؛ مریم، ۵؛ فرقان، ۷۴) که گواه علاقه طبیعی و گرایش فطری هر کس بر سعادت و فلاح فرزندان و نسل خود است. بعضی از این ادعیه به صورت عام و بعضی آیات نیز به خصوص راجع به فوز و سعادت اخلاقی فرزندان بیان شده که قطعاً یکی از مهم‌ترین مصادیق آن، توفیقات فرزند در کارزار کنترل قوه جنسی است. در فرهنگ قرآنی دعا برای صلاح فرزند باید پیش از تولد و حتی قبل از انعقاد نطفه صورت بگیرد. حضرت زکریا قبل از آن که خداوند به او فرزندی عطا کند، این‌گونه برای او دعا می‌کرد: ﴿وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا﴾ (مریم، ۶). «رَضِيٌّ» در آیه شریفه به معنای مَرْضِيّ بوده و اطلاق آن شمول رضایت الهی نسبت به علم و عمل را می‌رساند؛ یعنی حضرت زکریا از خداوند جمیع اقسام علم و عمل صالح را برای فرزند خود درخواست کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/۱۴). همچنین قرآن کریم در توصیف بندگان صالح خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ

إماماً﴾ (فرقان، ۷۴). منظور از چشم روشنی همسران و فرزندان این است که خدایا، آنان را موفق به بندگی و اطاعت از خودت و دوری از عصیان و سرکشی در برابر دستورات قرار بده (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۴۵/۱۵).

حضرت ابراهیم علیه السلام نیز در سرزمین حجاز از خداوند رحمان تقاضا می‌کند: ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ (ابراهیم، ۳۵). «اجنب» فعل امر به معنای دور نگهدار است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۶). در این آیه حضرت ابراهیم علیه السلام پس از درخواست امنیت مکه، اجتناب و دوری از پرستش بت‌ها را برای خود و فرزندان از خداوند رحمان طلب می‌کند. علاوه بر بت‌های سنگی و چوبی و... می‌توان مصادیق دیگری برای مفهوم صنم مانند بت نفس و شهوات نفسانی و... در نظر گرفت (سلمی، ۱۳۶۹: ۱۱۳؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶: ۲۰۵/۴؛ سلطان علی شاه، ۱۴۰۸: ۳۹۴/۲) که شاید با آیه شریفه مناسب‌تر است؛ زیرا حضرت ابراهیم علیه السلام که در قلعه توحید و خداپرستی قرار دارد، بعید است که بیم افتادن به ورطه پرستش ظاهری بت‌های سنگی و... داشته باشد ولی تمایلات شهوانی و تعلقات نفسانی، بتی است که می‌تواند در هر زمان و مکانی هر کسی را به بندگی و عبادت خویش دریاورد. ابراهیم علیه السلام در آن سرزمین مقدس علاوه بر خود، برای فرزندان نیز دعا می‌کند که در دام شهوات نفسانی و امیال حیوانی گرفتار نشوند و از مسیر ضلالت و گمراهی در امان باشند. این برداشت با آیه بعد که در مقام تعلیل در مورد بت‌ها می‌فرماید: ﴿رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ﴾ (ابراهیم، ۳۶) مناسب‌تر است. همچنین مادر حضرت مریم زمانی که فهمید فرزند او دختر بوده، نام مریم را بر او نهاد و فرمود: ﴿إِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ (آل عمران، ۳۶). آیه شریفه اشاره دارد از اولویت‌های مهم تربیتی والدین، توجه به سعادت معنوی و دوری فرزندان از شرور شیطانی است که در مرحله اول دعای والدین و پناه بردن به مأمّن الهی می‌باشد. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است که خداوند به سبب این دعای مادر، شرور و مفسد شیطانی را از حضرت مریم و فرزندان او دور ساخت (طبری، ۱۴۱۲: ۱۶۰/۳). از همین رو در آیه بعد

بلافاصله خداوند خبر از قبول و پذیرش نیکوی حضرت مریم و پرورش روحانی وی به سبب دعای مادر می دهد: ﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا﴾ (آل عمران، ۳۷). دعای والدین در حق فرزندان به قدری به اجابت نزدیک است که در روایات ما به دعای پیامبر ﷺ برای مردم تشبیه شده است (طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۶۲). در روایات دیگر آمده است که هنگام دعای والدین برای فرزند، درهای آسمان گشوده شده (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۶۵) و هیچ حجاب و مانعی بین سائل و خداوند وجود نخواهد داشت (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۸۰) و بدون هیچ شکی این دعا مستجاب خواهد شد (ابن اشعث، بی تا: ۱۸۷).

نتیجه گیری

از منظر قرآن اولین و مؤثرترین افراد در تربیت جنسی فرزندان والدین هستند و این مسئله از مهم ترین شئون و وظایف آنان است. قرآن کریم نمایانده صحنه های محرک جنسی حتی به فرزندان نابالغ را ممنوع کرده و اثرگذاری آن در قوه خیال کودک را گوشزد می کند؛ زیرا این تأثیر ممکن است در آینده طغیان میل جنسی فرزند را به دنبال داشته باشد.

از منظر قرآن کریم والدین بایستی رفت و آمد فرزندان به محیطی که جنس مخالف در آن جا وجود دارد را مدیریت کرده و از مرادۀ طولانی مدت آنان جلوگیری کند. قرآن کریم با اشاره به وجود مربی و کفیلی مانند حضرت زکریا در تربیت عقیقانه حضرت مریم، به نقش سرپرست خانواده در مدیریت میل جنسی فرزندان اشاره می کند.

آیات وحی صلاح و پرهیزکاری انسان حتی در زمان تجرد را در عفت جنسی فرزندان در آینده موثر می داند.

از آیات قرآن کریم استفاده می شود صلاح و فساد رفتاری، امیال و گرایشات نفسانی مادر و مرضع در امیال و گرایشات فرزند اثرگذار است. قرآن کریم در آیات بسیاری به تأثیر منحصر به فرد دعای والدین در پارسایی فرزندان و عفت جنسی آنان اشاره می کند.

منابع

• قرآن کریم

۱. ابن‌اشعث، محمد بن محمد (بی‌تا)، *الجعفریات (الاشعثیات)*، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
۳. _____ (۱۳۹۸)، *التوحید*، قم: جامعه مدرسین.
۴. _____ (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
۵. _____ (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. _____ (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری.
۷. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵)، *دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام*، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۸. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹)، *مناقب آل أبی طالب علیهم السلام*، قم: علامه.
۹. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)، *پژوهشکده تحقیقات اسلامی معارف قرآن*، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره آموزش های عقیدتی-سیاسی.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، *تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)*، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۳. _____ (۱۳۸۸)، *زن در آینه جلال و جمال*، محقق: محمود لطیفی، قم: انتشارات اسراء.
۱۴. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی‌تا)، *تفسیر روح البیان*، بیروت: دار الفکر.
۱۵. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، *قرب الإسناد (ط - الحدیثه)*، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، مصحح: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار الشامیه.
۱۷. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸ق)، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. سلمی، محمد بن حسن (۱۳۶۹ش)، *حقائق التفسیر*، محقق: نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۹. سمین، احمد بن یوسف (۱۴۱۴ق)، *الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۲۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالماثور*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
۲۱. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغة*، محقق: صبحی صالح، قم: هجرت.
۲۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۳. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۴. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)*، اردن: اربد دار الکتاب الثقافی.
۲۵. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، *مکارم الاخلاق*، قم: الشریف الرضی.
۲۶. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵)، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، نجف اشرف: المكتبة الحیدریة.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۲۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، بیروت: دار المعرفه.
۲۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم: دار الثقافة.
۳۰. عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴)، *قرآن روانشناسی و علوم تربیتی*، محققین: ابوالقاسم حسینی، جواد بهادرخان، مهدی واعظ موسوی، محمد کاظم شریعتی، جواد افروغی و حمید فغفور مغربی، مشهد: بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۳۱. عباشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، *تفسیر العیاشی*، محقق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیه.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: هجرت.
۳۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.
۳۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
۳۵. قطب الدین رواندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۵ق)، *فقه القرآن*، محققین: احمد الحسینی و محمود مرعشی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی رحمته الله علیه.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، *تفسیر القمی*، قم: دار الکتاب.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۷)، *دروس فلسفه اخلاق*، تهران: موسسه اطلاعات.
۴۰. _____ (۱۳۸۸)، *رستگاران*، تحقیق: محمد مهدی نادری قمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

۴۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
۴۲. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۰ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۴۳. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الامالی، محققین: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۴۵. _____ (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۴ق)، توضیح المسائل، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۷. _____ (۱۳۸۷)، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام).
۴۸. _____ (۱۳۷۹)، شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام).
۴۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۸)، معراج السعاده، قم: موسسه انتشارات هجرت.
۵۰. نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیه.